

مبحث دوم

۱ کتابهای تازه .

۲ خوانندگان و ما .

۳ واژه های ارثی .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علوم او انساني مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني

تاریخ بیداری ایرانیان

تساریخ بیداری ایرانیان، تألیف ناظم الاسلام کرمانی، چاپ سوم
بامتمام سیدی سیرجانی، تابستان ۱۳۴۶، تهران، انتشارات بنیاد
فرهنگ ایران (بامساعدت مالی سازمان برنامه)، چاپ سربی قطع
دزیری، ۴۶۱ صفحه

« برای آنکه در تاریخ و جغرافیای تاریخی ایران تحقیقی جامع و
کامل و دقیق انجام بگیرد، نخستین کار آن است که مأخذ و مدارک مهم در
دسترس محققان واقع شود. »
این جمله استخراج از شماری است که در مدخل کتابهای منتشره بنیاد
فرهنگ ایران آمده است و بحق این خواسته را توانسته است که در ضمن
انتشارات خود جامعه عمل ببوشاند. از آثار نفیسی که در ادوار مختلف به زبان
فارسی تألیف شده و هنوز بچاپ نرسیده بود و یا بزبانهای بیگانه در زمینه تاریخ
و جغرافیای ایران تألیف شده بود، بوسیله محققین دانشمند بزبان فارسی
برگردانیده و بهترین شکل در دسترس علاقمندان و خواستاران بگذاردمانند
صورة الارض، سنی ملوک الارض والانبیاء و سفرنامه ابن فضلان و دستورالوزرا
و غیره که هر یک از مأخذ و منابع مهم تاریخ و جغرافیای ایران است.
خدماتی که بنیاد فرهنگ ایران در مدت محدود و کوتاه از بدو تأسیس
تا امروز به تاریخ و جغرافیای این کشور و بطور کلی بفرهنگ و ادبیات ایران
عرضه داشته شایسته هر گونه تقدیر است و اینجا سخن از کتابی است بنام:
تاریخ بیداری ایرانیان که از امهات مأخذ و منابع تاریخ مشروطه ایران
است و چاپ سوم آن از طرف بنیاد فرهنگ ایران منتشر گردیده است.

معرفی کتاب

«تاریخ بیداری ایرانیان» کتابی است درباره مطالب و موضوعات مربوط به اواخر دوران استبداد و آغاز مشروطیت ایران که بی پرده ذکر شده و نویسنده آن کمال کوشش را بکار برده است که در نقل حوادث از جاده حقیقت منحرف نشود، با آنکه نشر کتاب از لحاظ شیوائی کلمات و روانی جمله ها زیاد جالب توجه نیست ولی به علت سادگی موضوعات و انعکاس مقرون بصحت اسناد مندرجه، این کتاب را از هر جهت ممتاز ساخته است.

براون در تألیف معروف خود بنام «تاریخ ادبیات ایران» چنین مینویسد: «... تاریخ بیداری ایرانیان، تألیف ناظم الاسلام کرمانی که ذکر اسناد کرده و نفوذ اشخاص را در وقایع سیاسی مورد توجه قرار داده، بنظر من از جنس دیگری است و مقامش بالاتر از تمام تواریخ فارسی است که درشش یا هفت قرن اخیر تحریر یافته است...» (مراجعه شود بترجمه فارسی ج ۴ ص ۲۹۵)

اهمیت این کتاب

می توان گفت امکان ندارد کسی درباره مشروطیت ایران و مقدمات مبارزات مردم برای تحصیل آزادی و مسائل مربوط به تعزیم تنباکو و فساد دستگاه سلطنت قاجاریه و مطالعه در فراماسوفری و انجمن های سری و شرح حال رجال دوره مشروطیت اعم از آزادی خواهان و یا دشمنان آزادی و بدخواهان ایران و یادرباره شخصیت هائی از قبیل میرزا ملکم خان و سید جمال الدین اسدآبادی و میرزا آقاخان کرمانی و سایر زعمای دوره اخیر ایران بخواهد تحقیقی کرده و یا چیزی بنویسد، و از مراجعه باین منبع معتبر بی نیاز باشد.

نویسندگان از قبیل شادروان کسروی (که بغیر از قسمت مربوط بوقایع آذربایجان و تبریز در تاریخ مشروطه خود تقریباً سه چهارم مطالب مندرجه را از این منبع استفاده نموده است) و دکتر فریدون آدمیت در کتاب «فکر آزادی» و کتاب «اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی» و اسماعیل رائین در کتاب «انجمن های سری در انقلاب مشروطیت ایران» و خانم لعبتون در کتاب «انجمن های سری»

و شادروان محمود محمود در تألیفات خود و خان‌ملک ساسانی در کتابهای سیاستگران قاجار و سایر تألیفات خود و سایر محققین و نویسندگان به حد اکثر ممکن از این منبع استفاده نموده‌اند و متأسفانه بعضی از آنان با نهایت بی‌انصافی ضمن استفاده از آن نسبت به مؤلف از هیچگونه هتاک و فحاشی مضایقه ننموده‌اند (مراجعه شود به ص ۲۰ جلد اول تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تألیف دکتر مهدی ملک‌زاده)

مؤلف کتاب

شادروان دهخدا درج ۹۲ ص ۱۸۲ لغت‌نامه چنین مینویسد:
 «... محمد بن علی (ناظم الاسلام) از فضلا و مؤلفین معروف کرمان و صاحب تاریخ بیداری ایرانیان بسال ۱۲۸۰ هجری قمری در کرمان متولد شد، پس از فرا گرفتن مقدمات علوم ادبی پارسی و عربی و نقد و اصول در کرمان و تحصیل منطق و شرح اشارات در محضر میرزا آقاخان کرمانی در بیست و هشت سالگی بتهران آمد و در مجلس درس میرزای جلوه و سید شهاب‌الدین شیرازی ب تحصیل حکمت الهی پرداخت و بپیش آمد و واقعه رژی و انحصار تنباکو و برخاستن زمزمه آزادی خواهی در شمار طلاب تجدد خواه در آمد و تاریخ معروف خود را بنام تاریخ بیداری ایرانیان با تکاء مشاهدات شخصی و اسناد دقیق تألیف کرد. بعد از استقرار مشروطیت وی بکرمان رفته و در عدلیه آنجا بخدمت مشغول شد و بسال ۱۳۳۷ هجری قمری در کرمان در گذشت.»

چاپ حاضر و چاپهای قبلی کتاب

چاپ اول کتاب بصورت جزوات هفتگی بقطع خشتی بخط نسخ و حواشی و بساورقی بخط نستعلیق چاپ سنگی و نقاشی صورت اشخاص بالنسبه بطرز خوب در طهران چاپ و انتشار یافته بود و جمعاً پنجده و پنج جزوه شانزده صفحه‌ای از اوایل سال ۱۳۲۸ هجری قمری تا اواسط سال ۱۳۳۰ قمری منتشر شده است.

خانبابامشار در فهرست کتابهای چاپی فارسی چاپ (بنگاه ترجمه و نشر کتاب) می نویسد :

« چاپ اول کتاب به اهتمام میرزا حسن طهرانی در طهران به خط خوش نسخ شمس الکتاب در ۲۵۵ صفحه بملاوه ۲۷۲ صفحه مقدمه به چاپ رسیده .. »
چاپ دوم آن ، نظر به اینکه نسخ چاپ اول بزودی نایاب شده بود در سال ۱۳۳۲ شمسی به اهتمام سید محمد هاشمی کرمانی نماینده اسبق کرمان در مجلس شورای ملی در ۵۶۳ صفحه به قطع وزیری با ۴۲ کاپیشه در متن و خارج از متن به انضمام یک شرح حال نسبتاً کامل از مؤلف و مقدمه دربارۀ کتاب به صورت بهتر و مطلوبتر از چاپ اول با حروف سربی و کاغذ و جلد ممتاز منتشر گردید .

چاپ سوم که چاپ حاضر باشد ، بطوریکه در صفحه دوم کتاب قید شده در تابستان ۱۳۴۶ شمسی چاپ شده و از سرلوحه کتاب مشهود است گویا به یاد کار جشن های تاجگذاری فراهم شده بود ولی معلوم نیست چگونه پس از یکسال تأخیر در تابستان ۱۳۴۷ منتشر می گردد . در هر حال کتابی است مانند سایر انتشارات بنیاد فرهنگ ایران با حروف و کاغذ خوب در ۶۶۱ ص به قطع وزیری چاپ شده و در آخر کتاب فهرستی از اشخاص و اماکن و مذاهب و طوایف که چاپهای اول و دوم فاقد آن است تدوین و تنظیم شده که اگر دقت کافی و لازم در تهیه آنها می شد نسبت به چاپهای قبلی امتیازی داشت .

نقائص چاپ اخیر

نقایصی که در این چاپ بنظر میرسد اجمالاً بشرح زیر می باشد :

اولا ، حذف ۱۵۸ صفحه از اول کتاب که در تألیف اصلی بعنوان مقدمه نوشته شده و عدم توجه به آن نمی تواند کتاب را قابل استفاده نماید ، زیرا درك موضوع کتاب که تاریخ مشروطیت ایران است با عدم اطلاع از مقدمات جریان اموری که منجر به اعطای مشروطیت شده و مبارزات و کوشش ها و فداکاری شهدای راه آزادی و بذل جان و مسال آنان برای خواننده مفهومی نخواهد داشت .

دانستن تاریخ مشروطیت ایران باید با مقدمات آن شروع شود و قسمت-هائی که با نهایت بی انصافی از اول کتاب حذف شده شامل مهمترین وقایع یعنی واقعه رژی و تحریم تنباکو و دستخط های ناصرالدین شاه و جواب مقامات روحانی و فسخ امتیاز، شرح حال امیر کبیر، سید محمد طباطبائی، سید جمال اسدآبادی و مجموعه مکاتیب وی، شرح حال و طرز حکومت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و ترتیب جریان امور وزارت خانه ها، شرح حال میرزا - حسینخان سپهسالار، میرزا سعیدخان وزیر خارجه، حالات میرزا ملکم خان، میرزا علیخان امین الدوله، میرزا رضا کرمانی و بسیاری از موارد دیگر است که ذکر آنها به اطناب می کشد.

حال اگر به این قدر هم کفایت می شد باز اشکال کمتری داشت، با نهایت تأسف شخصی که مباشرت چاپ این کتاب را متمدن بوده است، کلیه زیر نویس های کتاب را حذف نموده و در یادداشت اول کتاب علت آنرا چنین نوشته است:

«... بدین نیت که از تفرقه حواس خوانندگان تا حد زیادی جلوگیری

شود ...»

۱. اعلام کتاب

در قسمت فهرست اشخاص:

- قهریم در صفحه ۴۳۷ در فهرست اشخاص قید شده، در حالیکه می دانیم قهریم (کریمه) نام محلی است در دریای سیاه و معروف است.
- معتمد السلطنه درص ۴۳۲ پدر مرحوم وثوق الدوله را تصریح کرده اند که شیرازی است در حالیکه اشتباه است.
- حاجی میرزا آقاسی را به آقاسی (حاج میرزا ..) مراجعه داده اند که متأسفانه دیده نشد.

- علی اکبر فال اسیری را اشتبهاً فاراسیلی قید نموده اند ص ۴۳۵

در فهرست اماکن

- اسکدار را اشتبهاً اسکندار نوشته و ضمناً توضیح داده اند از شهرهای ارمنستان است (ص ۴۴۷) در حالیکه معلوم است در خاک ترکیه است و ابدأً بهیچوجه و هیچوقت ربطی به ارمنستان نداشته است .
- نصیبین را مرقوم فرموده اند پایتخت ارمنستان ص ۵۴ و مسلم است که اشتباه است و از شهرهای معروف عراق است .
- نمسارا ، توضیح فرموده اند در حدود هندوستان ، (ص ۵۴) و این از اکتشافات جدید مصحح محترم باشد زیرا قبلاً به اطریش می گفتند .
- جهانیان و جمشیدیان هر دو نام شخص است نه نام محل .
- در قسمت اماکن بهتر بود مدارس را به ترتیب حروف تهجی دنبال هم می آوردند .

در فهرست نام های ایل و مذاهب

- بریکاد ، در صفحه ۴۵۶ جزو مذاهب آمده در حالیکه کلمه فرانسه است و به فارسی امروز قیپ می نامیم که اصطلاح نظامی است و شامل چند هنگ یا واحد های دیگری نظامی است و ابدأً ربطی به ایل و مذهب ندارد .
- تخت مرمر ص ۴۵۶ جزو مذاهب نوشته شده .
- در فهرست روزنامه ها و کتب نیز بهتر بود روزنامه ها را به ترتیب حروف تهجی دنبال هم می آوردند .
- اشتباهات و غلط های املائی را از قبیل لشکر به جای لشکر و گرد بجای کرد و مخبر السلطنه به جای مخبر السلطنه و امثال آن که فراوان است ما متعرض نشده و به ذوق و سلیقه خواننده واگذار نمودیم .
- این بود مختصری از معرفی کتابی که با نهایت اشتیاق آرزوی تجدید چاپ آن را داشته و با بی صبری، موعده انتشار آنرا روز شماری می کردیم و متأسفانه اینگونه از آب درآمد و اکنون جا دارد که بانی خیر دیگر یا ناشر فعلی یا قبلی اقدام به چاپ صحیح و قابل استفاده از آن بنماید و مسلماً این عمل در پیشگاه دانش پژوهان و علاقه مندان مقبول خواهد بود .

ظل السلطان — جلد یکم اثر حسین سعادت نوری

قطع جیبی — ۲۹۰ صفحه — انتشارات وحیه سال ۱۳۴۷



نویسنده دانشمند آقای حسین سعادت نوری که از محققان تاریخ دوره قاجارند، بتازگی کتابی بنام ظل السلطان منتشر نموده اند که در جای خود بسیار جالب و محققانه میباشد. این کتاب که درباره تاریخ زندگانی سلطان مسعود میرزا ظل السلطان پسر ارشد ناصرالدین شاه قاجار نوشته شده با وجود کوچکی قطع و کمی صفحات، گنجینه‌ای از تراجم احوال رجال دوره قاجار است زیرا نویسنده دانشمند آن با احاطه کاملی که باحوال رجال این دوره دارد ضمن بیان تاریخ زندگی ظل السلطان هر جا که بمناسبتی، نامی از یکی از بزرگان این دوره به میان آمده، ترجمه حال آن شخص را هم بطور اختصار ولی کافی بیان کرده است و از این نظر کتاب ظل السلطان بقسمی مشحون از اطلاعات متواتر راجع بر رجال این دوره است که باید گفت، درباره‌ی ازموارد معترضه در معترضه شده ولی در عین حال رشته مطلب از دست نرفته و موضوع اصلی همه جا حفظ گردیده است.

کتاب ظل السلطان با نثری بسیار روان و شیرین نوشته شده و خواننده تا آنرا بانجام نرساند بر زمین نمیگذارد ولی با تاسف تمام باید گفت درباره‌ی ازموارد در این اثر نفیس اصطلاحات و جملاتی بکار رفته که اگر

تعمد و هدف خاص نویسنده فاضل کتاب نباشد لامحاله نتیجه مسامحاتیست که در تدوین کتاب روی داده است و به ترمی بود که در یک اثر تحقیقی و تاریخی و مستند این گونه عبارات و اصطلاحات بکسار نهیرفت^۱ و همچنین مسامحات دیگری که بهنگام چاپ کتاب پیش آمده است مانند وجود برخی غلطهای چاپی و سهوهای در ضبط پیاره‌ای از سالها که خود نشانه شتابزدگی در انتشار آن است.^۲

نقص دیگر در این کتاب که بی گمان آنهم حاصل شتابزدگی در چاپ آن بوده، این است که مأخذ و مرجع مطالب و اخبار جز در چند مورد (در اوائل کتاب) در جای دیگر ذکر نشده است.^۳

و اما نقیصه بالنسبه بزرگی که متأسفانه در اندام موزون این کتاب نفیس دیده میشود، نداشتن فهرست اعلام کتاب است که اگر هم نویسنده محترم در نظر داشته است آنها را در پایان جلد دوم اثر خود قرار دهد، باز حق بود، حال که معلوم نیست جلد دوم آن کی بزور طبع آراسته خواهد شد، لاقول فهرست اعلام جلد یکم را در پایان کتاب قرار میدادند نکته دیگری را هم که نباید ناکفته گذاشت درباره فصل روابط ظل السلطان با میرزا ملکم خان است که مؤلف محترم باختصار از آن گذشته اند و حال آنکه خود از فصول مهم تاریخ زندگی صاحب ترجمه میباشد و بهمین سبب ما در شماره آینده با ارائه چند سند بخط خود ظل السلطان در باره آن گفتگو خواهیم کرد. ولی بهر حال کتاب «ظل السلطان» حاوی فوائد تاریخی بسیاریست که چون نویسنده آن خود از محققان دانشمند و دارای تألیفات چندیست، مطالب و مندرجات آن میتواند مورد اعتماد اهل تحقیق و خوانندگان باشد.

بررسی های تاریخی

۱ - رجوع کنید به صفحات ۲۰۳ و ۲۱۱ و ۲۱۸ و ۲۲۹ و ۲۳۲ و ۲۳۹ و ۲۴۸ و ۲۷۸

۲ - درک به صفحات ۴۷ و ۷۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ...

۳ - متأسفانه برخی از محققان بتصور این که اگر منابع و مراجع مطالب را با قید نام مرجع و شماره صفحات آن بدست دهند وسیله ای برای بهره برداری های نامشروع عده ای از مضطلسان علمی و ادبی خواهد شد، اذکر منابع و مراجع خود، خودداری میکنند و این اسماک خود موجب نقص اثر آنها و در پاره ای الاموار هم سبب سلب اعتماد خوانندگان نسبت به مندرجات کتاب میشود.

۳

« شرح ماموریت آجودانباشی (حسین خان نظام الدوله)
در سفارت اطریش، فرانسه، انگلستان، با حواشی و تعلیقات
ونهرستها. تألیف محمد مشیری.

قطع وزیری: ۲۵۴ صفحه متن و ۳۹ + ۲۲۴ صفحه تعلیقات
جمعا ۵۱۷ صفحه از انتشارات ممدعلی علمی



سفرنامه‌هایی که بوسیله مأموران سیاسی نوشته میشود، از نظر آگاهی
بر اصل رویدادهای تاریخی، ارج بسیار دارند و انتشار این گونه گزارشها و
کتابها نیز خود خدمتی بس با ارزش برای تساریخ است. بتازگی، یکی از
این گونه سفرنامه‌ها یعنی سفرنامه آجودانباشی بکوشش آقای محمد مشیری
بزیور طبع آراسته شده است و بجاست که دیگر محققان هم در پیدا کردن
این رسالات و کتابها و بچاپ رساندن آنها توجه بیشتری کنند تا این ذخایر
تاریخی را از گوشه و کنار یافته واز دستبرد زوال رهائی بخشند.

حسین خان آجودانباشی که کتاب مورد گفتگو در شرح ماموریت و سفر
اوست و بوسیله منشی وی نوشته شده، بدنبال يك رشته رخدادهای سیاسی و
اختلافاتی که بر سر مسأله هرات میان ایران و انگلیس بوجود آمده بود برای
تفہیم دعاوی حقه دوات ایران بدولت‌های اروپائی، روز ۲۳ جمادی الاخر ۱۲۵۴
قمری با عنوان سفارت از تبریز حرکت کرد و به اسلامبول، وین، پاریس و
لندن رفت و پس از مدتی توقف در هریک از این پایتختها در پنجم شوال ۱۲۵۵
بایران بازگشت و منشی او میرزا فتاح گرمودی شرح این ماموریت و مسافرت
را با قلم بالنسبه شیوائی برشته نگارش در آورده است و این سفرنامه است که
آقای مشیری آنرا با مقدمه‌ای مبسوط و توضیحات و حواشی و تعلیقات جامع
و بخصوص با دقت بسیار بچاپ رسانده‌اند.

سفرنامه آجودانباشی متضمن اطلاعاتی جامع و مفید در باره روابط سیاسی ایران و انگلستان در زمان پادشاهی محمدشاه قاجار (۱۲۵۱-۱۲۶۴ قمری) و اختلافاتی که بر سر مسأله هرات بین این دو دولت روی داده و به قطع روابط آنها انجامیده است، میباشد^۱ و مطالبی نیز در خصوص روابط نظامی ایران و فرانسه در همین دوره در آن هست^۲ که چون آجودانباشی خود در جریان آن وقایع بوده این قسمت از سفرنامه او از منابع بسالنسبه معتبر در این زمینه‌ها میتواند بود اما باید دانست که در چند مورد از این سفرنامه، سکوت و یا خلف‌گوئی‌هایی در شرح وقایع هست که باستناد مدارک موثقی که در دست است، پیدا است نویسنده بیاره‌ای ملاحظاتی بیان آن وقایع را بسکوت برگزار کرده و یا دیگرگونه ذکر نموده است و این مطالبیست که در مقاله‌ی جداگانه‌ای در شماره آینده مجله از آنها گفتگو خواهیم کرد و در اینجا تنها از نظر چگونگی چاپ و کار محشی و مصحح فاضل آن باختصار سخن می‌گوئیم: کتاب مورد بحث باوجود بسیاری صفحات^۳، با نفاست و ظرافت تمام بچاپ رسیده و این خود نشانه دقت و حوصله خاص محشی است و مقدمه تحقیقی دوپست و بیست و چهار صفحه‌ای هم که آقای مشیری بر متن سفرنامه افزوده است نیز بیان‌کننده زحمت و کار پر ارزش او میباشد. اما پاره‌ای مسامحات و اشتباهات نیز در کار چاپ کتاب پیش آمده است که از ذکر برخی از آنها ولو باختصار هم باشد ناگزیریم:

- ۱- آقای مشیری در مقدمه کتاب، جایی که مأموریت‌های آجودانباشی را فهرست وار می‌شمارد^۴ از مأموریت او در فرانسه برای استخدام چند تن افسر و خرید مقداری جنگ افزار ذکر کرده است و حال آنکه این مأموریت از طرف دولت ایران باو واگذار شده بود^۵ و او نیز چنانکه در سفرنامه‌وی تصریح شده آن مأموریت را انجام داده است^۶
- ۲- در ذکر منابع و مدارک کتاب هنگامی که از رساله جنگ انگلیس

۲- ص ۶۶۹ - ص ۶۷۲

۱- ص ۳۹۹ - ص ۴۶۸

۴- ص ۱۶ - ص ۱۷

۳- پانصد و هفده صفحه

۵- برک ۳۳ و ۳۴ ج ۲۰ و برک ۱۴ ج ۲۴ اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی

۶- ص ۴۷۲ - ص ۴۹۲

وزارت امور خارجه

وایران، تألیف کاپیتن هنت، عبارتی نقل شده نام مترجم آن آقای حسین سعادت نوری که خود صاحب ترجمه‌ها و تألیفات چندی است ذکر نشده (ص ۱۰۳) بلکه تنها بذکر اسم ناشر یعنی مجله یادگار اکتفا گردیده است و همچنین در صفحه ۱۹۱ ضمن شرح مدارکی که برای مزید آگاهی از شرح حال میرزا ابوالحسن خان ایلیچی صحبت کرده اشاره به نشریه وزارت خارجه (دوره سوم جلد سوم) میکند ولی باز اسم نویسنده مقاله را که تصادفاً همان آقای سعادت نوری است ذکر نمی‌کند. و حال آنکه لزوم ذکر نام نویسنده و مترجم مقدم بر اسم فاسم است.

۳ - محشی محترم مشخصات نسخه خطی و یا نسخ خطی را که بنای کار ایشان بر آنها گذارده شده معرفی ننموده است.

۴ - در ضبط بعضی از واژه‌ها اشتباهاتی روی داده است که در پاره‌ای از موارد سهو چاپی است ولی در برخی از موارد بی‌گمان مسامحه‌ای بیش نیست مانند «نسخه» که باید «نسخه» باشد (ص ۸۹) و «بیک» که درست آن «بیک» با کاف فارسیست (صفحات ۲۳۴-۲۳۵-۲۴۲-۲۴۶-۲۵۴ و بسیاری جاهای دیگر) و همچنین:

واژه بزرگ بصورت بررک چاپ شده است (ص ۲۶۲ - ۲۶۴ - ۳۰۰ - ۴۴۴)

« لشکر بصورت لشکر چاپ شده است (ص ۲۴۱ - ۳۱۱)

نام وینه بصورت وئیه چاپ شده است (ص ۲۹۴)

واژه سنک بصورت سنک چاپ شده است ص ۲۷۰

واژه صلاح بصورت صلاح چاپ شده است ص ۴۶۸

واژه بزعم بصورت برغم چاپ شده است ص ۴۶۹

واژه کماندان به معنی فرمانده کماندار چاپ شده است ص ۴۶۹

واژه‌ای که بمعنی پول‌چای و انعام بوده بدو صورت قهوه پاره‌سی (ص ۲۳۹)

وقهوه پاراسی (ص ۲۴۶) چاپ شده است

نام یکی از انواع کشتی‌ها در یک جا کونفردو اسکوز، در جای دیگر کونفردو اسکوز و لاتین آن Coests - Coones ضبط شده است و سرانجام معلوم نیست کدام یک درست است.

در يك موضع تاريخی هم که بايد ۱۸۳۲ باشد اشتباهاً ۸۳۲ چاپ شده (ص ۲۶۱)
ولی بهر حال بايد دانست کار آقای مشیری در تحشيه و تصحيح اين کتاب
و تنظيم مقدمه ای که حتی مبسوطتر از متن کتاب است بسيار ارزشمند و شايان
توجه میباشد و وجود چند غلط چاپی و يا وجود یکی دو اشتباه ناشی از
مسامحه و شتابزدگی نمیتواند از ارزش کار مصحح و محشی دانشمند آن بکاهد.

بررسی های تاریخی

